

بسم الله الرحمن الرحيم

تفسیر موضوعی قرآن کریم

جلسه هشتم: ابزار و منبع شناخت

سید حمید حسینی

taalim.ir

- روش مرسوم و مشهور معرفت‌شناسان در بیان حس، عقل، قلب، تاریخ و ... به‌عنوان ابزارهای شناخت با هیچ مبنای عقلی و نقلی انطباق ندارد.
- نفس انسان دارای قوهای برای تشخیص و شناخت است که گرچه می‌توان آن را از جنبه‌های گوناگون و با اصطلاحات و مراتب مختلف مورد توجه قرار داد، اما در واقع، بیش از یک حقیقت نیست که ما نام آن را عقل می‌گذاریم.
- کار عقل این است که با تکیه بر آگاهی‌های قبلی، درستی یا نادرستی آگاهی‌های جدید را تشخیص می‌دهد و درباره بایدها و نبایدهایی حکم می‌کند.

- نیروی عقل جز در بدیهیات اولیه منبعی برای شناخت نیست و نیازمند منبع یا منابعی است تا آگاهی‌های جدید را از آنجا به دست آورد. این منبع می‌تواند طبیعت یا ماوراء طبیعت باشد.
- حواس انسان به عنوان ابزار شناخت طبیعت، بدون تحلیل و تأیید عقل نمی‌تواند شناختی برای او ایجاد کند. پس در معرفت به طبیعت، این عقل است که معیار قرار می‌گیرد و شناخت پیدا می‌کند و حس تنها ابزاری برای دریافت و انتقال آگاهی از طبیعت است.
- دریافت‌های انسان از ماوراء طبیعت، تجربه‌هایی درونی است که از طریق دل برای او آشکار می‌شود و با عقل درک می‌گردد و مورد قضاوت قرار می‌گیرد.
- در قرآن کریم هیچ‌جا از عقل به عنوان یک بخش، یک ابزار یا یک منبع شناخت سخن به میان نیامده، بلکه همه‌جا افعال تعقل و افعال واژه‌های مترادف با آن به کار رفته و به این ترتیب، شناخت و معرفت به حقیقت و خود آدمی نسبت داده شده است.
- ماده عقل (۴۹ بار)
- كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (البقرة: ۲۴۲)
- ماده فکر (۱۸ بار)
- كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (البقرة: ۲۱۹)
- ماده شعر (۲۷ بار)
- وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ (البقرة: ۱۵۴)
- ماده فقه (۲۰ بار)

• وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ (الأنعام: ٩٨)

• ماده‌هایی چون: «ذکر» و «دری» نیز از همین جنس است و به همین معنی در قرآن به کار رفته است.

• قرآن کریم بارها به صراحت از «سمع» و «أبصار» و «أفئدة» به عنوان ابزارهای شناخت یاد کرده است.

• معمولاً مفسران این آیات را به درستی توضیح نداده‌اند و تصور کرده‌اند تنها برخی از ابزارها یا منابع شناخت در این آیات ذکر شده است.

• وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (النحل: ٧٨)

• وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (الإسراء: ٣٦)

• ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (السجدة: ٩)

• وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (المؤمنون: ٧٨)

• وَلَقَدْ مَكَنَّاهُمْ فِي مَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَ أَبْصَارًا وَ أَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا

يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (الأحقاف: ٢٦)

• قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (الملك: ٢٣)

• آیاتی که موانع معرفت را معرفی می کند نیز از همین سه ابزار معرفت سخن می گوید:

• خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (البقرة: ۷)

• وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (الأعراف: ۱۷۹)

• أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ سَمْعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (النحل: ۱۰۸)

• أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَن يَهْدِيهِ مِّن بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (الجاثية: ۲۳)

• أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ (الحج: ۴۶)

• اگر به مقدماتی که بیان شد دقت کنیم و تعقل را عامل شناخت و طبیعت و ماوراء طبیعت را منبع شناخت بدانیم، انحصار ابزارهای شناخت در این سه عنوان روشن می شود. زیرا:

• راه دست یابی ما به طبیعت حواس ماست. که به دو بخش تقسیم می شود:

• آنچه غیر مستقیم از طبیعت به دست می آوریم: «سمع»

• آنچه مستقیم به دست می آوریم: «أبصار» که شامل همه

حواس می شود.

• راه دستیابی به تجربه‌های ماوراء طبیعت: «أفئدة» که همان
قلب یا دل است.